



کار بست قواعد فقهی راهبردی در نظام مهدوی با تأکید بر

اندیشه امام خامنه ای (ره)

حیدر علی جهان بخشی^۱

۳۸

دوره ۱۰، شماره ۳، پیاپی ۳۸

پاییز ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۵/۰۵/۱۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۷/۲۰

صص: ۵۵۲-۵۲۹

شاپا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۳۸۱-۲۷۱۷



چکیده

این پژوهش با هدف تبیین کار بست قواعد فقهی راهبردی در نظام مهدوی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای انجام شده است. پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته و داده‌ها با مراجعه به ادله کتاب و سنت، آرای فقها، بیانی‌ها و سخنرانی‌های امام خامنه‌ای گردآوری شده است. مسئله اصلی آن است که قواعد فقهی چگونه می‌توانند در عصر غیبت به مثابه اصول راهبردی، زمینه ساز تحقق جامعه مهدوی باشند. یافته‌ها نشان داده است که در منظومه فکری ایشان، فقه اسلامی ماهیتی اجتماعی، تمدن ساز و حکمرانی محور دارد و قواعد عدالت، نفی سبیل، ارشاد جاهل، اعانه بر بر، دفع المنکر و سد ذرایع، شبکه‌ای منسجم از اصول حکمرانی اسلامی را شکل می‌دهند. عدالت، محور نظام مهدوی و زمینه ساز حاکمیت توحید؛ نفی سبیل، ضامن استقلال و مقابله با سلطه؛ ارشاد جاهل، بستر جهاد تبیین؛ اعانه بر بر، اهتمام بر امور مسلمانان و حمایت از مظلومان؛ دفع المنکر، سازوکار مقابله با فساد و سد ذرایع، ابزار پیشگیری از زمینه‌های فساد را در بر دارند. بنابراین، نظام مهدوی فرایندی تمدنی برای تحقق عدالت جهانی و حاکمیت ارزش‌های الهی است.

کلیدواژه‌ها: قواعد فقهی، راهبرد، نظام مهدوی، امام خامنه‌ای.

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد اسلام‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

فقه اسلامی افزون بر پاسخ‌گویی به نیازهای فردی و عبادی، ظرفیت گسترده‌ای برای تنظیم حیات اجتماعی، سیاسی و تمدنی جوامع اسلامی در اختیار دارد. در این میان، قواعد فقهی به عنوان گزاره‌های کلان و ضوابط عام استنباط احکام، نقش مهمی در هدایت نظام‌های اجتماعی و ارائه راهکارهای عملی برای اداره جامعه ایفا می‌کنند. برخی از این قواعد، به دلیل برخورداری از ابعاد مدیریتی، اجتماعی و حکومتی، دارای کارکردی راهبردی بوده و می‌توانند مبنای طراحی و تحقق نظام مطلوب اسلامی قرار گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۱: ۱۵).

قواعد فقهی آن دسته احکام کلی است که در باب‌های گوناگون فقه جریان داشته و منشأ استنباط احکام جزئی می‌شوند. این قواعد زیربنای فقه اسلامی را تشکیل می‌دهند که شناخت آن‌ها جایگاه ویژه‌ای در استنباط و درک مسائل فقهی و توان‌افزایی در استدلال و تحلیل فقهی دارد (کاظمی و اعرافی، ۱۴۰۰، ۲۱: ۳۰). مستند این قواعد آیات قرآن، روایات معصومان (ع) و حکم مستقل عقلی و بنای عقلاء است.

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، فقه اسلامی دارای ماهیتی اجتماعی و تمدن‌ساز است و رسالت آن تنها بیان احکام فردی نیست، بلکه باید توانایی اداره جامعه، تأمین مصالح عمومی و تحقق اهداف کلان اسلام را دارا باشد. از این رو، اصول فقهی حاکم بر نظام مهدوی که پیوسته مطمح نظر امام خامنه‌ای (ره) قرار گرفته، بر اساس مبانی و اهداف الهی وضع شده است. مهم‌ترین هدف در حکومت مهدوی برپایی عدل و نفی ظلم است؛ چنان‌که امام صادق (ع) فرموده اند: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيْامِهِ الْجَوْرُ؛ هرگاه قائم قیام کند، به عدل حکم می‌کند و در ایام او جور مرتفع می‌شود.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۳۳۸).

به همین منظور، اهداف و مبانی در منظومه فکری معظم له مشمول آیه شریفه «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِنْ تَابَ مَعَكَ؛ هم تو ایستادگی کن و استقامت کن، هم آن کسانی که با تو هستند ایستادگی کنند» (هود/۱۱۲) است؛ بدین گونه که عدول از مبانی و عدول از ارزش‌ها جایز نیست و باید استقامت صورت گیرد. بر همین اساس، در مواضع امامین انقلاب (امام خمینی و امام خامنه‌ای) در طول دوران رهبری، نه در عملکرد و نه در بیانیه‌ها و سخنرانی‌ها هیچ تغییری مشاهده نشده است؛

اگرچه در انتخاب نوع روش در راستای هرچه تأثیر گذاری بیشتر، تکامل، اصلاح، تغییر و رفع خطا را جزو کارهای دائمی و برنامه‌های همیشگی دانسته، استقامت را در روش لازم نمی‌دانند. بر این اساس، مقاله حاضر در صدد است با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین این مسأله بپردازد که قواعد فقهی چگونه می‌توانند با تکیه بر اندیشه‌های امام خامنه‌ای در عصر غیبت به مثابه اصول راهبردی برای زمینه‌سازی تحقق جامعه مهدوی ایفای نقش کنند؟

در این نوشتار، منظومه فکری ایشان را می‌توان از رهگذر قواعد فقهی‌ای همچون عدالت، نفی سبیل، ارشاد جاهل، اعانه بر برّ، دفع المنکر و سدّ ذرایع جستجو کرد. قواعدی که با مفاهیمی همچون عدالت خواهی، حکمرانی دینی، مردم‌سالاری، استکبارستیزی و پیش‌گیری از جرم همخوانی دارد و می‌تواند در سیاست گذاری نظام مهدوی ایفای نقش کند و از این روی که قواعد مذکور در گزاره‌های تجویزی قرار دارند و در نظام مهدوی حاوی باید و نبایدهای راهبردی هستند، از آن‌ها به اصول فقهی راهبردی یاد می‌شود. هرچند قواعد متعدد دیگری وجود دارد که بی‌شک در امور فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، تربیتی و... مورد توجه قرار می‌گیرند و می‌توان آن‌ها را نیز در زمره اصول فقهی راهبردی قرار داد؛ اما به قدر بضاعت جهت تبیین، به مواردی از مهم‌ترین آن‌ها اشارت می‌گردد:

۱. اصل عدالت

عدالت که در لغت به معنای برابری است (قریشی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۰۱) و در اصطلاح آن را «وَضْعُ الْأَشْيَاءِ فِي مَوَاضِعِهِ» خوانده‌اند (معین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۲۷۹) مقوله‌ای است فرازمانی و فرامکانی. اندیشه آن از نخستین روزهای پیدایش حیات تا هنگام جاودانگی، جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشر را به خود اختصاص داده است (شیروانی و آیین، ۱۳۹۸).

عدالت از دیدگاه دانشمندان اسلامی و دیگر مکاتب واقع‌گرا، امری است واقعی و عینی که ریشه در تکوین دارد نه امری اعتباری و قرار دادی که ریشه در توافق عرف و حکومت داشته باشد. از همین روست که علی (ع) از آن به مایه حیات و زندگی تعبیر کرده‌اند؛ چنان که فرموده‌اند: «العدل حياه» (غررالحکم، ح ۲۴۷) و در روایتی دیگری، «العدل حياه الاحکام» (همان، ح ۳۸۳) عدالت را مایه حیات احکام الهی معرفی کرده‌اند. به همین جهت، فقها مهم‌ترین صفت حاکمان و متولیان

دین را داشتن عدالت برشمرده اند که بی شک مصداق اکمل آن را تنها می توان در رهگذر حکومت مهدوی جستجو کرد.

۱- تبیین قاعده عدالت

شهید مطهری در تبیین قاعده بودن عدالت گفته است: « اصل عدالت از مقیاس های اسلام است که باید دید چه چیزی بر او منطبق می شود، عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات، نه این است که آنچه دین گفت عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می گوید» (مطهری، ۱۴۰۹ق، ۱۴).

مقصود از قاعده بودن عدالت در دو جهت است: یکی اینکه عدالت یک قانون کلی برای استنباط احکام الهی است و دیگری اینکه یک معیار و میزان است که در مواردی که حکم مستفاد از ادله دیگر منافات با عدالت اجتماعی داشته باشد، جاری می شود. به عبارت دیگر، قاعده عدالت اجتماعی برای فقیه؛ هم مصدر است و هم معیار و میزان که بر پایه آن می تواند هم حکم شرعی را استنباط کند و هم درستی و نادرستی استنباطش را با آن محک بزند. در نتیجه، عدالت می تواند قاعده ای فقهی باشد که فقیه براساس آن استنباط کند یا استنباط خود را محک زند (مهریزی، ۱۳۷۶، ش ۲ و ۳، ۱۸۹).

بنابراین، گستره قاعده عدالت و سیع تر از دیگر قواعد است؛ چه اینکه دیگر قواعد در جایگاه یک اصل فقهی قرار می گیرند که خود مترتب بر مبانی خواهند بود؛ ولی قاعده عدالت علاوه بر این که یک اصل فقهی شمرده می شود گاه مبنای دیگر قواعد نیز قرار می گیرد. به عبارتی، علاوه بر آن که به عنوان یک قاعده منشاء استنباط حکمی واقع می گردد، گاهی خود ضابطه و میزان قاعده دیگر قرار می گیرد. به عنوان مثال، قاعده لاضرر را می توان از مصادیق قاعده عدالت و نفی ظلم دانست؛ زیرا برای شناخت مصادیق ضرر باید از معیار عدل و ظلم، بهره جست. چنان که مرحوم آقاضیا « ضرر» در قاعده لاضرر را اظهر مصادیق ظلم می داند و می نویسد: «تردیدی نیست که ضرر و ضرار از روشن ترین مصادیق ظلم و تعدی اند که بنابر نص قرآن کریم حرام اند» (عراقی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۹).

از جمله مستندات این اصل که فقها بدان تمسک بسته اند، آیه شریفه ۲۵ سوره حدید است که می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما پیامبران

خود را با دلایلی روشن فرستادیم، و همراه آنها کتاب آسمانی و میزان نازل کردیم تا مردم به قسط و عدل برخیزند». برا ساس آیه شریفه فوق، خداوند بعثت پیامبران و انزال کتب آسمانی و قوانین شریعت را برای برقراری و اجرای عدالت عطا فرموده است.

بی شک، این آیه وظیفه جامعه را قیام به قسط دانسته است و بنابر نظر برخی از محققان قیام به قسط معنایی دامنه دار و عام دارد که صرفاً محدود به روابط افراد نیست، بلکه تمامی ساحت های قسط و عدالت را شامل می شود. (اعرافی و مبلغ، ۱۳۹۹، ۸۴).

از این رو، در این که مفسران برای حرف باء (بالقسط) دو احتمال را قایل شده اند: یکی تعدی و دیگری مصاحبت، می توان گفت اخذ معنای تعدی (به این معنا که مردم قسط را اقامه کنند) با عدالت اجتماعی و حکومت مهدوی سازگارتر است؛ چه این که با درنظر داشتن معنای تعدی، آیه مردم را جهت اجرای عدالت به اقدامات فعالانه دعوت می کند، در حالی که اخذ معنای مصاحبت (به این معنا که مردم کارهای خود را عادلانه انجام دهند) در راستای عدالت اجتماعی، نوعی حرکت انفعالی است.

۲-۱ عدالت در مکتب امام خامنه ای

مقام معظم رهبری حکومت مهدوی را جامعه ای توحیدی توأم با استقرار کامل عدل خوانده، می گوید: «آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه ی انبیاء، همه ی بعثت ها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته و پرداخته ی بر اساس عدالت و با استفاده ی از همه ی ظرفیت هایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ یک چنین دورانی است دیگر، دوران ظهور حضرت مهدی (عج) دوران جامعه ی توحیدی است، دوران حاکمیت توحید است، دوران حاکمیت حقیقی معنویت و دین بر سراسر زندگی انسانهاست و دوران استقرار عدل به معنای کامل و جامع این کلمه است». (۱۳۹۰/۴/۱۸، دیدار با فارغ التحصیلان مهدویت) و نیز برجسته ترین شعار مهدویت را انتظار استقرار عدالت معرفی کرده اند (۱۳۸۱/۷/۳۰، دیدار مردمی نیمه شعبان).

از این رو، معظم له در میان توصیه های هفت گانه در بیانیه گام دوم، چهارمین محور را به «عدالت و مبارزه با فساد» اختصاص داده، می فرماید: «این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه ی حکومت ها عارض

شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است.»

در فراز دیگر، توجه به عدالت را بر همگان واجب دانسته، می‌گوید: «عدالت در صدر هدف‌های اولیه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) میسر نخواهد شد، ولی به صورت نسبی همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است

۲. اصل نفی سیل

اصل نفی سیل یکی از اصول فقهی‌ای است که بر همه احکام فردی و اجتماعی مسلمانان اعم از عبادی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سایه افکنده و موضوع آن عدم سلطه کفار بر مسلمانان در امور مذکور است. بر اساس این اصل هر عقد و قرار دادی میان مسلمانان و کافران که موجب علو و استیلاي کافران بر مسلمانان شود ممنوع شمرده شده است.

از جمله مستندات این اصل آیه شریفه ۱۴۱ سوره نساء است که می‌فرماید: «وَلَا يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.» دلالت این اصل بر این حکم اگرچه به جعل تکوینی مورد اختلاف فقها قرار گرفته است؛ لیکن به قدر متیقن و به اتفاق همه فقیهان به جعل تشریعی بر حکم مذکور دلالت دارد؛ چنان که بجنوردی از فقیهان معاصر می‌گوید:

«به مقتضای این آیه در عالم تشریع هیچ گونه حکمی که موجب سیل و علو و سلطنت کافر بر مؤمنین و مسلمین باشد وجود ندارد و تشریع و جعل نیز نشده است. این حکم چه در باب عبادات و چه در باب معاملات و چه در سیاست، جعل نشده است بنابراین، آیه شریفه بیانگر یک جعل تشریعی است و این قاعده بر ادله اولیه و احکام حکومت دارد» (بجنوردی ۱۳۷۲، ۲۲۵).

مستند دیگر این اصل روایتی است از رسول گرامی اسلام (ص) که می‌فرماید: «الْإِسْلَامُ يُعْلَوُ وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ وَ الْكُفَّارُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتَى لَا يَحْجُبُونَ وَلَا يَرْتُونَ؛ اسلام برتری دارد و هیچ چیز بر آن برتری

ندارد و کافران به منزله مرده‌اند؛ مانع از ارث دیگران نمی‌شوند و خودشان نیز ارث نمی‌برند» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۳۴).

فقیهان شیعه در موارد متعددی از قاعده نفی سبیل در راستای عدم استیلای کافران بر مسلمانان بهره جسته‌اند. از جمله آن، مبادرت به صدور حکم تحریم تنباکو است که این مهم توسط میرزای شیرازی از مراجع تقلید شیعه در مخالفت با واگذاری تجارت انحصاری توتون و تنباکو ایران به شرکت انگلیسی صورت گرفته است. ایشان با تمسک به قاعده مذکور حکم به تحریم تنباکو را صادر نمودند که به موجب آن قرارداد مذکور در سال ۱۳۰۹ق فسخ گردید و نیز مخالفت با کاپیتولاسیون نمونه دیگری است که امام خمینی رهبرکبر انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۳ش با تمسک به این قاعده به تصویب کاپیتولاسیون ولایحه‌ای، که بر اساس آن اتباع آمریکایی از جمله مستشاران نظامی آنها در ایران مصونیت قضایی داشته باشند، به مخالفت پرداختند و جهت تبیین موضوع، اعلامیه خود را با آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» آغاز نمودند.

بر اساس همین اصل پایدار و به تبعیت از نظر فقیهان در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ تدوین شده است که اصل یکصد و پنجاه و دوم مقرر می‌دارد:

«سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است».

و نیز اصل یکصد و پنجاه و سوم مقرر داشته است:

«هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شؤون کشور گردد ممنوع است».

۱-۲ نفی سبیل در مکتب امام خامنه ای

در اندیشه امام خامنه ای نظام مهدوی متکی بر حاکمیت توحید است که نفی سلطه مستکبران، مبارزه با استکبار، استقلال و عزت مسلمانان را به ارمغان می‌آورد و در پی آن تمدن اصیل اسلامی به منصفه ظهور می‌رسد. بدین ترتیب، در مکتب امام خامنه ای تمسک به این اصل فقهی راهبردی را می‌توان از گذر مسایل فرهنگی، همچون مخالفت معظم له با سند ۲۰۳۰ یونسکو؛ اقتصادی،

همچون حمایت از کالای ایرانی؛ نظامی، همچون حمایت از گروه مقاومت اسلامی؛ سیاسی، همچون عدم اعتماد به آمریکا در مذاکرات هسته ای و... جستجو کرد.

یکی از مصادیق مهم نفی سیل نفوذ ناپذیری فرهنگی است که بی تردید حفظ هویت فرهنگی و پرهیز از تقلید کورکورانه از بیگانگان شرط اساسی برای دستیابی به جامعه مهدوی است. براین اساس، آنچه را که از محتوا و مفاد سند آموزش ۲۰۳۰ در می یابیم، این است که نظام غربی در قالب مهندسی فرهنگی به بهانه توسعه فرهنگی و پیش گیری از بزهکاری و بزه دیدگی و رفع تبعیض های جنسی به گونه هدفمند در صدد اعمال نفوذ در حوزه نظام آموزشی و تربیتی کشورهای اسلامی است تا با این شیوه بتواند استیلا و سلطه ای مدرن را برای خود به ارمغان بیاورد. از این رو، رهبر فرزانه انقلاب علی رغم آن که دولت وقت اجرای سند مذکور را وجهه همت خویش قرار داده بود، با اقدامات واکنشی خود مانع از اجرای آن شدند.

معظم له در نقد بر آن سند فرمودند: «به چه مناسبت یک مجموعه به اصطلاح بین المللی که تحت نفوذ قدرت های بزرگ نیز قرار دارد، به خود حق می دهد که برای ملت هایی با تاریخ و فرهنگ و تمدن گوناگون، تکلیف معین کند» (۱۳۹۶/۲/۱۷، جمع فرهنگیان).

و در خطاب به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: از این اعضا هم گله مند هستم. آنها باید مراقبت می کردند؛ اینجا جمهوری اسلامی ایران است و در این کشور مبنا اسلام و قرآن است. اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب و ویرانگر و فاسد غربی بتواند اعمال نفوذ کند (۱۳۹۶/۲/۱۷، جمع فرهنگیان).

از جمله موضوعات مهمی که مکررا مطرح نظر مقام عظمای ولایت قرار گرفته است و در سال های متعددی از سوی ایشان با مضامین مختلف به عنوان شعار سال مطرح می شد، موضوع اقتصاد مقاومتی و حمایت از کالای ایرانی است. توجه به این مهم علاوه بر آن که برای کشور خودکفایی را به ارمغان می آورد، حسب قاعده نفی سیل، عدم سلطه و استعمار بیگانگان را بر جامعه اسلامی در پی خواهد داشت.

بدون تردید، تسلط اقتصادی بیگانگان بر جامعه اسلامی موجب از بین رفتن استقلال و عزت ملی کشور و نفوذ آن ها در حساس ترین مجامع تصمیم گیری سیاسی و فرهنگی جامعه اسلامی و

تغییر سبک زندگی اسلامی خواهد شد این نفوذ و تسلط خلاف صریح آیه نفی سبیل است (خزایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۵).

این موضوع پیوسته مورد توجه اندیشمندان اسلامی نیز قرار گرفته است؛ چنان که شهید مطهری درباره تسلط و نفوذ غیرمسلمان بر مسلمان می‌نویسند: «اسلام می‌خواهد که غیرمسلمان بر مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف هنگامی میسر می‌شود که ملت مسلمان در اقتصاد نیازمند نبوده و دستش به طرف غیرمسلمان دراز نباشد، و آلا نیازمندی ملازم است با اسارت و بردگی، ولو آنکه اسم بردگی در کار نباشد. هر ملتی که از لحاظ اقتصاد دستش به طرف ملت دیگر دراز باشد، اسیر و برده اوست و اعتباری به تعارف‌های دیپلماسی معمولی نیست» (مطهری، بی تا، ۲۱).

به همین منظور معظم له در راستای عدم وابستگی جوامع اسلامی به استعمارگران، می‌فرمایند: «استقلال و عزت ملی برای کشور مهم است، زیردست نبودن یک ملت و ارباب نداشتن یک ملت مهم است... ملت ما ثابت کرد که وابسته نبودن به آمریکا و قدرت های بزرگ نه فقط موجب عقب‌افتادگی نیست، بلکه موجب پیشرفت است» (۱۳۹۲/۱/۱، حرم مطهر رضوی).

بی شک عزت و اقتدار حکومت اسلامی در گرو حفظ مفاد قاعده نفی سبیل است که این خود زمینه ساز حکومت مهدوی است. توجه به این مهم هم در رفتار و هم در سخنان معظم له به وضوح کاملاً قابل مشاهده است.

۳. اصل ارشاد جاهل

ارشاد در لغت به معنای رهبری، رهنمونی، راهنمایی، هدایت، به راه آوردن و به سامان آوردن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۴۲۵: ۱) و در اصطلاح فقهی، با لحاظ همان معنای لغوی، به معنای «اعلام»، «تبلیغ» و «تعلیم» به کار رفته است و ارشاد جاهل به معنای آگاهاندن و راهنمایی کردن شخص جاهل است (کاظمی و اعرافی، ۱۴۰۰، ۷۲: ۳۰).

آگاه بخشی و تعلیم احکام و ضروریات دین از باب ارشاد جاهل پیوسته در سیره معصومان (ع) وجود داشته؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) آن هنگام که معاذ را به عنوان حاکم بر حکومت یمن منصوب کرد، در خطاب به او فرمودند: «يَا مُعَاذُ عَلَّمَهُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَحْسِنْ أَدَبَهُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الصَّالِحَةِ ... وَ أَظْهِرْ أَمْرَ الْإِسْلَامِ كُلَّهُ صَغِيرَهُ وَ كَبِيرَهُ وَ لِيَكُنْ أَكْثَرُ هِمِّكَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ

الْإِقْرَارَ بِالذِّينِ وَ ذَكَرَ النَّاسَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمَ الْآخِرِ وَ اتَّبَعَ الْمَوْعِظَةَ فَإِنَّهُ أَقْوَى لَهُمْ عَلَى الْعَمَلِ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ ثُمَّ بَثَّ فِيهِمُ الْمُعَلِّمِينَ »

ترجمه: «ای معاذ قرآن را به آنها بیاموز و آنها را بر اساس اخلاق شایسته تربیت کن ... امر اسلام را، چه کوچک و چه بزرگ، آشکار ساز و همّت خود را بیشتر به نماز معطوف دار؛ چه این که پس از اقرار به دین، نماز سر لوحه مسلمانی است و مردم را به خدا و روز جزا یادآور باش و به موعظه و پندگویی خود ادامه بده، به گونه ای که آنان را بر کارهای خداپسندانه ثابت قدم دارد؛ سپس معلم هایی را در میانشان مبعوث دار تا به تعلیم و تربیت آنان بپردازند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۲۷: ۷۴ و ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ق: ۲۵).

در این روایت پیامبر (ص) با عبارات «عَلَّمَهُمْ كِتَابَ اللَّهِ»، «أُظْهِرَ أَمْرَ الْإِسْلَامِ كُلَّهُ» و «بَثَّ فِيهِمُ الْمُعَلِّمِينَ»، حاکم را موظف نموده تا نسبت به آموزش کتاب خدا و احکام دین؛ خصوصا نماز اهتمام ورزد و برای این امر معلمانی را به استخدام در آورد و نیز علاوه بر آموزش احکام با عبارات «احسن ادبهم» و «اتَّبَعَ الْمَوْعِظَةَ» وظیفه حاکم را در قبال تربیت اخلاقی از باب ارشاد جاهل معین می نماید که در همه این عبارات، افعال با صیغه امر به کار رفته اند و حکایت از وجوب آگاه بخشی و تعلیم امت دارند.

فقها این مهم را تحت قاعده ارشاد جاهل در باب های مختلفی به کار برده اند. به عنوان نمونه مرحوم آقا ضیا عراقی در باب امر به معروف و نهی از منکر، اگر فاعل منکر نسبت به متعلق فعل اطلاع نداشته باشد، آگاه سازی را از باب ارشاد جاهل قبل از نهی از منکر لازم می داند (کرازی عراقی، بی تا، ۳۱: ۱) و نیز آیت الله خویی آموزش احکام نماز، طهارت و نجاست را به همسر و فرزندان از باب ارشاد جاهل واجب می داند (موسوی خویی، ۱۴۱۶، ۲۵۳: ۳) و نیز آیت الله بهجت اعلام جهت قبله را از باب وجوب ارشاد جاهل لازم می داند (بهجت، ۱۴۲۴، ۲۰۴). البته الزام بر ارشاد جاهل از نوع واجب کفایی است؛ یعنی در ابتدا احاد جامعه و به ویژه علما باید به آن قیام کنند؛ اموری از قبیل عقاید، اخلاق، و معارف الزامی را به دیگران بیاموزند. هرگاه اعلام و تعلیم محقق شد، تکلیف از دیگران ساقط می شود (کاظمی و اعرافی، ۱۴۰۰، ۱۹۹: ۳۰).

بدین ترتیب، ارشاد افراد جامعه عموما و اهل خانواده خصوصا از طریق آموزش و بیان احکام دینی، بر پیش گیری از ناهنجاری ها و جرایم، تأثیر بسزایی دارد؛ خصوصا نماز که بنا بر آیه شریفه »

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ « (عنکبوت / ۴۵) در آن مصلحت ملزمه ای وجود دارد که اقامه آن به گونه تکوینی از منکرات پیش گیری می نماید. همچنین تبیین احکام جزایی در قرآن و بیان عواقب آن ها همچون قتل و ضرب و جرح (بقره / ۱۷۸ و مائده / ۴۵)، محاربه (مائده / ۳۳)، زنا (نور / ۲)، سرقت (مائده / ۳۸)، قذف (نور / ۴) و نیز بیداری امت اسلام به امور سیاسی _ فرهنگی و آگاه بخشی آن ها به مصالح مسلمین و تشخیص حق از باطل و سره از ناسره و ... می تواند جامعه ای سالم و عزتمند را به ارمغان آورد.

بی شک، انتظار ظهور و همت گماشتن برای نظام مهدوی بدون معرفت به امام معصوم بی معناست و معرفت امام بدون آگاه بخشی امکان پذیر نخواهد بود. مبادرت به این مهم با توجه به وجود مکاتب انحرافی و نوظهور در عصر غیبت و هجمه دشمن در تحریف حقایق و ترویج فساد ضرورتی اجتناب ناپذیر دارد. بر همین اساس، امام خامنه ای از آن به جهاد تبیین یاد کرده که این امر در منظومه فکری ایشان یک راهبرد اساسی برای حکمرانی مهدوی به شمار می رود. معظم له از «جهاد تبیین» به عنوان «یک فریضه قطعی و یک فریضه فوری» یاد کردند (۱۴۰۰/۱۱/۱۹، دیدار فعالان اقتصادی). ایشان توجه به این فریضه را بر آحاد مردم ضروری دانسته، می فرماید: «امروز همه ی ما بایستی در میدان تبیین حرکت بکنیم.» (۱۴۰۰/۷/۵، اربعین حسینی) و درعدم توجه به این فریضه فرموده اند: «بدون تبیین حقیقت، افکار عمومی در ظلمت و فضای غبارآلود باقی خواهد ماند و دشمن سوء استفاده خواهد کرد» (۱۳۸۲/۴/۷، مسؤولان قضایی). از سوی دیگر، علاوه بر این که تبیین را نیازمند آگاهی و عقلانیت می داند، برای تبیین شیوه ای را تعریف نموده، می فرماید: «اما تبیین الزاماتی هم دارد که رعایت آن ها شرط اثربخشی سخن حق است. اصل قطعی در این باب این است که بایستی از شیوه ی اخلاقی در این کار پیروی کرد» (۱۴۰۰/۷/۵، اربعین حسینی).

ذکر این نکته ضروری است که تدوین «بیانیه گام دوم انقلاب» خود مصداق بارزی از جهاد تبیین است که معظم له بدان مبادرت ورزیدند.

۴. اصل اعانه بر بر

«اعانه» واژه عربی، از «عون» گرفته شده، به معنای کمک کردن، یاری کردن در انجام کاری یا به کسی است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ۴۹۴: ۹) و در اصطلاح به معنای فراهم ساختن مقدمات و زمینه

تحقق فعل دیگران توسط اعانه کننده است. صدق اعانه مشروط به تحقق خارجی فعل مورد اعانه است (مبلغ و اعرافی، ۱۳۹۹، ۱۳۴: ۲۶).

«بر» در لغت به معنای خشکی است و چون خشکی توأم با وسعت است، بدان سبب به نیکی و سبب «بر» (به کسر اول) و به بسیار نیکی کننده «بر» به (فتح اول) گفته اند (قرشی، ۱۴۱۲ق، ۱۸۰: ۱۰). در اصطلاح قرآنی و روایی و نزد فقها به دو معنای اطاعت از خدا و احسان به دیگران به کار رفته است. از جهت مصداقی اطاعت اعم از احسان است؛ زیرا احسان به دیگران مورد امر الهی و مصداق اطاعت از خداست. بر به معنای اطاعت شامل انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات است (مبلغ و اعرافی، ۱۳۹۹، ۱۳۴: ۲۶).

این اصل نقش موثری در تقویت روحیه تعاون، یاری جمعی، پاکی و سلامت جامعه دارد. این مسأله به قدری حائز اهمیت است که محقق سبزواری، صاحب کفایه الاحکام تعاون را نمود سلامت جامعه دانسته و معتقدند: «جامعه سالم جامعه ای است که روحیه تعاون و یاری یکدیگر و جلوگیری از فساد و تجاوز در آن حاکم است و همه افراد در این مسیر گام بردارند» (داوود آبادی، ۱۳۹۲، ۳).

مهم ترین مستند «اعانه بر بر» آیه شریفه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده/ ۲) است که در آیه «تعاونوا» فعل امر است و ظهور بر وجوب دارد. براین اساس، اعانه بر نیکی واجب شمرده می شود؛ مگر در برخی مصداقی که به وسیله قرینه بر استحباب دلالت می کند (مبلغ و اعرافی ۱۳۹۹، ۱۳۶: ۲۶). البته بعضی از فقها بر این عقیده اند که با وجود قرائن خارجی باید از ظهور «تعاونوا» بر وجوب دست کشید و اعانه بر بر را حمل بر استحباب کرد، مگر در مواردی همچون انقاذ غریق و حریق که با وجود قرائن اعانه واجب می شود (بجنوردی ۱۴۱۹، ۳۵۹: ۱).

در نتیجه، چه آیه شریفه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» را حمل بر وجوب کنیم و چه حمل بر استحباب، به نظر می رسد با ملاحظه به ذیل آیه شریفه «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده/ ۲) که بنا بر نظر همه فقها اعانه بر گناه و تجاوز حرام شمرده است، در مبحث مورد نظر بتوانیم بگوییم: اگر عدم اعانه بر بر موجب اثم و عدوان گردد، اعانه بر بر واجب می شود. در این صورت با روحیه همیاری، تعاون و احسان که بهداشت روانی و سلامت خانواده و جامعه را به همراه دارد، انتظار می رود مردم و حکومت با چنین روحیه ای به مدد آیه شریفه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»

جامعه ای سالم، غنی و عاری از هر گونه ظلم و ستم را به ارمغان آورده، زمینه حکومت مهدوی را فراهم آورند.

بی شک، اهتمام به امور مسلمانان و دفاع از مسلمانان و محرومان از مصادیق بارز اعانه بر بر شمرده شده است و مسلمانان نمی توانند نسبت به یکدیگر بی تفاوت باشند؛ چنان که رسول گرامی اسلام می فرمایند: «المسلمون إخوة، تتكافى دماؤهم، وهم يد على من سواهم؛ مؤمنان برادرند، خونشان برابر است، در برابر دشمنان همه یک دستند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ۴۰۳).

در مکتب امام خامنه ای جامعه مهدوی صرفاً یک جامعه آرمانی نیست، بلکه پرو سه ای است تمدن ساز که باید زمینه های تحقق آن در عصر غیبت فراهم شود. از این منظر منتظر واقعی کسی است که علاوه بر صیانت از نفس خود، در عینیت بخشیدن به این مهم در راستای اهتمام به امور مسلمانان و دفاع از مظلومان عالم مشارکت فعال داشته باشد. در چنین فرایندی قاعده اعانه بر بر یکی از مهم ترین اصول فقهی در نظام مهدوی تبدیل می شود؛ زیرا عینیت بخشی به جامعه مهدوی بدون تعاون و همکاری افراد جامعه در امور خیر امکان پذیر نخواهد بود.

از این رو، مقام عظمای ولایت با تبعیت از این اصل دینی و انسانی، حمایت از مستضعفان و مظلومان را وجهه همت خویش قرار داده، می فرماید: «ما دفاع از مسلمان ها و دفاع از ملت مظلوم را جزو سیاست های اصولی خودمان می دانیم و از آن عدول نمی کنیم» (۱۳۷۲/۳/۱۴)، نماز جمعه تهران) و در تبیین مکتب امام خمینی فرموده اند: «امام هیچ وقت به خاطر ملاحظه ی زورگویان عالم، از دفاع از مظلومین عالم دست نکشید. امام در طول زمان از مسأله ی فلسطین به عنوان یک مسأله ی اصلی یاد کرد. امام صریحاً در وصیتنامه و بیانات خود به ندای للمسلمین ملت های مظلوم اهمیت می دهد؛ دفاع صریح از حقوق مظلومین، دفاع صریح از حقوق ملت فلسطین و هر ملت مظلوم دیگر» (۱۳۸۷/۳/۱۴)، سالگرد ارتحال امام).

۵. اصل دفع المنکر

قاعده فقهی «دفع المنکر» از مهم ترین قواعد ناظر به صیانت از سلامت فرد و جامعه اسلامی است که بر ضرورت جلوگیری از تحقق و گسترش منکرات دلالت دارد. این قاعده ریشه در فریضه امر به معروف و نهی از منکر داشته و در منابع فقهی شیعه از بزرگ ترین واجبات اجتماعی شمرده

شده است؛ به گونه‌ای که قوام جامعه دینی و حفظ ارزش‌های اسلامی در گرو اجرای آن دانسته شده است. صاحب مصباح الفقاهه در تعریف «دفع المنکر» می‌گوید:

« فان معنی دفع المنکر هو تعجیز فاعله عن الإتیان به و ایجاده فی الخارج سواء ارتدع عنه باختیاره أم لم یرتدع؛ معنای دفع منکر ناتوان کردن مرتکب از انجام عمل مجرمانه و ایجاد آن در خارج است؛ خواه به اختیار خود از عمل مجرمانه دست بکشد یا از انجام عمل به اختیار خود دست نکشد » (خویی، ۱۳۷۱، ۱۸۱: ۱).

این اصل مورد تأکید آیه شریفه قرار گرفته، می‌فرماید: « وَلَوْ كَفَرَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ؛ اگر خداوند فساد و بزهکاری برخی از مردم را با مشارکت بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، فساد زمین را فرا می‌گرفت » (بقره/ ۲۵۱) و نیز در آیه شریفه دیگری که می‌توان دفع المنکر را مشمول آن دانست، آمده است: « وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدکاری کنند، و اینها (که واسطه هدایت خلق هستند) رستگار خواهند بود » (آل عمران/ ۱۰۴). بر اساس آیه فوق، مراتب عملی امر به معروف و نهی از منکر به نوعی مشمول مفهوم دعوت می‌شوند و در آیه، « یأمرن » و « ینهون » ذکر خاص بعد از عام است؛ به عبارتی، امر و نهی اخص از دعوت است؛ زیرا گاهی دعوت در قالب امر و نهی نیست، بلکه به صورت موعظه صورت می‌گیرد (کاظمی و اعرافی ۱۴۰۰، ۳۴۳: ۳۰).

در اهمیت و آثار این فریضه امام باقر (ع) نیز در روایتی جامع می‌فرماید: « إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ، وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ، وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ، وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ، وَ تَعْمُرُ الْأَرْضُ، وَ يُتَصَفَّى مِنَ الْأَعْدَاءِ، وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ؛ امر به معروف و نهی از منکر روش پیامبران و شیوه نیکوکاران است. فریضه است بزرگ که دیگر فرایض به واسطه آن قوام می‌یابند و به واسطه آن راه و روش‌ها ایمن می‌گردد و درآمدها حلال می‌شود و مال‌های به زور گرفته شده به صاحبانش رد می‌شود و زمین آبادان می‌گردد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها سامان می‌یابد » (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۵۵).

امام خامنه ای نیز با استمداد از روایت امام باقر(ع)، امر به معروف و نهی از منکر را به نوعی زیربنای همه‌ی حرکات اجتماعی اسلام دانسته، آن را ترجمان ساخت و هندسه‌ی نظام اسلامی معرفی می‌کند (۱۳۹۴/۱/۱، حرم مطهر رضوی)

در اندیشه امام خامنه‌ای، امر به معروف و نهی از منکر صرفاً یک وظیفه فردی نیست، بلکه یک مسئولیت اجتماعی و حکومتی برای اصلاح جامعه و مقابله با زمینه‌های فساد به شمار می‌آید. ایشان تحقق جامعه اسلامی مطلوب را در گرو حاکمیت ارزش‌های الهی و مقابله مستمر با مظاهر انحراف می‌دانند. بر این اساس، میان قاعده دفع المنکر و نظام مهدوی رابطه‌ای معنادار برقرار است؛ زیرا مهم‌ترین ویژگی حکومت حضرت مهدی(عج)، برجیده شدن ظلم، فساد و انحراف و استقرار عدالت جهانی است. از این‌رو، هرگونه تلاش برای جلوگیری از گسترش منکرات و اصلاح ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را می‌توان گامی در جهت آماده‌سازی جامعه برای تحقق آرمان‌های مهدوی دانست. در این چارچوب، قاعده دفع المنکر نه تنها یک حکم فقهی، بلکه سازوکاری تمدنی برای نظام مهدوی محسوب می‌شود.

از این رو، مقام عظمای ولایت توجّه به این اصل فقهی را نسبت به همه سطوح و اقشار جامعه؛ خصوصاً کارگزاران بیش از دیگر امور، وجهه همّت خویش قرار داده، در اهمیت آن می‌فرمایند: «امر به معروف و نهی از منکر، تضمین‌کننده‌ی حیات طیبه در نظام اسلامی خواهد بود. عمل کنیم تا آثارش را ببینیم. امر به معروف، یک مرحله‌ی گفتن و یک مرحله‌ی عمل دارد. مرحله‌ی عمل، یعنی اقدام با دست و پا زور. این مرحله، امروز به عهده‌ی حکومت است و باید با اجازه‌ی حکومت انجام بگیرد و لاغیر. اما گفتن با زبان، بر همه واجب است و همه باید آن را بدون ملاحظه انجام بدهند» (۱۳۶۸/۱۰/۱۹، دیدار مردم قم)

از دیگر سو، قوام جامعه اسلامی را مشروط به تحقق امر به معروف و نهی از منکر دانسته، می‌فرماید: «موضوع امر به معروف که موضوع جدیدی نیست. این، تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه اسلامی، با انجام این تکلیف زنده می‌ماند. قوام حکومت اسلامی، با امر به معروف و نهی از منکر است، که فرمود: اگر این کار نشود، آن وقت «لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُوْا خِيَارُكُمْ فَلَا يَسْتَجِابُ لَهُمْ». قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اخیار، به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر باشد» (۱۳۷۱/۷/۵، دیدار روحانیون). معظم له در بیانیه گام دوم غایت

حرکت انقلاب اسلامی را ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (عج) معرفی می کند که بی شک تحقق این مهم بدون توجه به این فریضه الهی غیر ممکن خواهد بود.

۶. اصل سد ذرایع

«سد» در لغت به معنای بستن، منع و جلوگیری کردن آمده و کتب لغت عربی، فعل «سد» را به مفهوم أغلق بیان کرده اند (احمد بن فارس، ۱۴۱۵، ۶۶: ۳). ذرائع جمع ذریعه است که در لغت معانی متعددی دارد؛ ولی رایج ترین معنای آن، وسیله است. صاحب الفروق نیز می گوید: «الذریعه: الوسيلة للشيء» (قرافی، ۱۴۱۴، ۱۹۴: ۲) و در اصطلاح، به معنای جلوگیری کردن از هر کاری است که به حسب عادت منجر به مفسده ای می گردد (مکارم شیرازی، ۵۴۱: ۲).

فقه های امامیه هرچند «سد ذرائع» را به عنوان قاعده ای کلی مورد استناد در ابواب فقهی نپذیرفته اند؛ ولی از مجموع دیدگاهها دست می یابیم که فقه های امامیه و سایر مذاهب مخالف با قاعده سد ذرائع، بر مقابله با زمینه ها، اسباب و ابزار جرم تأکید ویژه دارند و عقیده دارند، در مقابله با بزهکاری باید از همه امکانات و همه روش های مجاز مؤثر استفاده کرد. «سد ذرائع»، یکی از مهم ترین روش های مقابله با جرم و کجروی، از بین بردن زمینه ها، فرصت ها، موقعیت ها، ابزارها، مقدمات و وضعیت های وسوسه کننده و تحریک کننده است (میر خلیلی، ۱۳۹۰: ۳۱).

این قاعده از قواعد مهم فقه حکومتی و اجتماعی است که بر جلوگیری از مقدمات و زمینه های منتهی به فساد، ظلم و انحراف دلالت دارد. مقصود از سد ذرائع آن است که شارع مقدس نه تنها با خود حرام و فساد مقابله می کند، بلکه راهها و ابزارهایی را که به وقوع آن منجر می شوند نیز محدود یا ممنوع می سازد. این رویکرد پیشگیرانه، یکی از ارکان اساسی تحقق جامعه اسلامی و زمینه سازی برای استقرار حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عج) به شمار می آید.

از جمله روایاتی که مؤید مفاد سد ذرائع است و مقدمات فعل حرام را ممنوع شمرده، روایتی است از حسین بن سعید که در سلسله سندی از معصوم (ع) نقل نموده: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْخَمْرَ وَ عَاصِرَهَا وَ مُعْتَصِرَهَا وَ بَائِعَهَا وَ مُشْتَرِيَهَا وَ سَاقِيَهَا وَ أَكَلَ ثَمَنَهَا وَ شَارِبَهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ؛ رسول خدا لعنت فرمود: خمر و آب گیرنده آن و آب گرفته شده آن و فروشنده و خریدار آن و ساقی آن و دریافت کننده پول آن و نوشنده آن و حمل کننده آن و حمل شونده بر آن را

« (طوسی ۱۴۰۷، ۱۰۴: ۹). در این روایت پیامبر اکرم (ص) از این رو که شرب خمر حرام است، تمامی مقدمات شرب خمر را با خطاب لعن حرام شمرده است. و در روایت دیگری رسول گرامی اسلام درباره معاونت و همکاری با مجرمان این گونه فرمودند: «روز قیامت منادی ندا خواهد داد کجایند کمک کنندگان به ستمکاران، هرکس که برای آنان مرکب برای نوشتن آماده کرده یا کیسه ای را برای آنان دوخته و یا هر اقدامی را برای آنان انجام داده است، همه را با آن ها (مجرمان اصلی) محشور کنید (حرّ عاملی ۱۴۰۹، ۱۸۰: ۱۷). بی شک، تهیه مقدمات فعل حرام اعانه بر اثم است و اعانه بر اثم بنابر آیه شریفه «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده/ ۲) حرام شمرده شده است؛ در نتیجه تهیه مقدمات فعل حرام نیز حرام شمرده می شود.

از این رو، در سیاست کیفری اسلام هرگونه کمک و مساعدت به ارتکاب جرم به شدت مورد نهی و نکوهش و در مواردی نیز مورد جرم انگاری قرار گرفته است (میر خلیلی ۱۳۹۰: ۳۱)؛ چنان که در ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی آمده است:

افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می شوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظردادگاه بسته خواهد شد:

الف. کسی که مرکز فساد یا فحشا دایر یا اداره کند؛

ب. کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.

از این رو، جدای از بحث حجیت شرعی سدّ ذرایع، آن چه می تواند مورد ملاحظه قرار گیرد، این است که ماهیت سدّ ذرایع بر پیش گیری از فساد و بزه دلالت دارد و عقل و شرع اجتناب از زمینه ها و مقدمات هر گونه فساد و بزهکاری را لازم می دانند و بر حکومت و مردم ضروری می نماید که هرگاه افراد جامعه را در معرض خطر و بزهکاری یافتند، با انسداد باب فساد به تدابیر پیش گیرانه مبادرت ورزند و افراد را از اقتحام در مهلکه دور نگهدارند.

بر این اساس، می توان گفت قاعده سدّ ذرایع در نظام مهدوی کارکردی راهبردی دارد؛ زیرا جامعه منتظر موظف است با شناسایی عوامل تهدیدکننده عدالت و معنویت، از شکل گیری و توسعه آن ها جلوگیری کند. مبارزه با فساد اقتصادی، مقابله با تهاجم فرهنگی، جلوگیری از گسترش

بی‌عدالتی و اهتمام به اصلاح ساختارهای اجتماعی، همگی مصادیقی از اجرای این قاعده در مسیر زمینه‌سازی ظهور به شمار می‌آیند.

بدین ترتیب، تأکید مکرر امام خامنه‌ای بر ضرورت مبارزه با «ریشه‌های فساد» و پیشگیری از شکل‌گیری آن، بیانگر کاربرست عملی قاعده سدّ ذرایع در عرصه اجتماعی و حکومتی است. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب مقرر فرمودند: «دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه فساد پیش‌گیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسان‌هایی باایمان و جهادگر، و منبع‌الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است». (۱۳۹۷/۱۱/۲۲، بیانیه گام دوم انقلاب) یکی از مصادیق مهم پیش‌گیری از فساد اجتماعی، صیانت از عفاف است. بر همین اساس، مقام عظمای ولایت می‌فرمایند: «برداشتن حجاب، مقدمه‌ای برای برداشتن عفت بود؛ برای برداشتن حیا در جامعه‌ای سلامی بود؛ برای سرگرم کردن مردم به عامل بسیار قوی و نیرومند جنسی بود؛ برای اینکه از همه‌ی کارهای دیگر بمانند؛ و یک مدتی هم موفق شدند، اما ایمان عمیق ملت ایران نگذاشت» (۱۳۸۶/۱۰/۱۳، دیدار دانشجویان استان یزد) و نیز در ضمن بیانات دیگر فرمودند: «در حرکتی که برای دفاع از زنان انجام می‌گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد. در غرب به خاطر این‌که به این نکته توجه نشد - یعنی مسأله عفت زنان مورد اهتمام قرار نگرفت و به آن اعتنایی نکردند - کار به این بی‌بند و باری‌ها کشید. نباید بگذارند عفت زن (که مهم‌ترین عنصر برای شخصیت زن است) مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد. عفت در زن، وسیله‌ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران، حتی در چشم خود مردان شهوتران و بی‌بند و بار است. عفت زن، مایه احترام و شخصیت او است. این مسئله حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه عفاف در این بین سالم نگه‌داشته شود» (۱۳۷۶/۷/۳۰، دیدار با جمعی از زنان).

در مجموع آنچه از مکتب امام خامنه‌ای در می‌یابیم این است که ایشان با ترسیم عدالت محوری در تمسک به اصول فقهی یاد شده هیچ‌گاه در مواضع خود تغییری ایجاد نکرده‌اند؛ چه اینکه این اصول، مبتنی بر مبانی و اهدافی است که بر اساس ادله کتاب، سنت و عقل تغییر ناپذیر است؛ اما در روش‌ها هر چند مبتنی بر اصول هستند، ایشان اصلاح و تغییر را به جهت خطاپذیری در آن‌ها، گاه ضروری می‌دانند.

از این رو، در اصول یاد شده؛ خصوصاً در اصل ارشاد جاهل، دفع المنکر و سد ذرایع در عرصه عمل توجّه به نوع روش در راستای هدف و تأثیر گذاری اهمیت بسزایی نهفته است. به همین منظور، معظم له می فرمایند: «در اهداف و مبانی، ملاک ما باید «فاستقم کما امرت» باشد. به هیچ وجه عدول از مبانی و عدول از ارزشها جایز نیست؛ اهداف، اهداف الهی است و هیچ تردید، شک یا ارتدادی از این اهداف جایز نیست؛ اما در روشها بایستی تکامل، اصلاح، تغییر و رفع خطا، جزو کارهای دائمی و برنامه‌های همیشگی ما باشد؛ ببینیم کدام روش ما، ولو به آن عادت کرده باشیم، غلط است، آن را عوض و اصلاح کنیم. باید مراقب باشیم که جای این تعبیرات عوض نشود؛ یعنی ما در زمینه‌ی اهداف، می‌گوییم استقامت؛ باید جای «هدف» را با «روش» اشتباه نکنیم. استقامت در روشها لازم نیست، استقامت در اهداف لازم است» (۱۳۸۳/۶/۳۱، در دیدار اعضای خبرگان رهبری).

نتیجه گیری

۱. در اندیشه امام خامنه‌ای، فقه اسلامی دارای ماهیتی اجتماعی و تمدن ساز است و رسالت آن تنها بیان احکام فردی نیست، بلکه باید توانایی اداره جامعه، تأمین مصالح عمومی و تحقق اهداف کلان اسلام را دارا باشد. اصول فقهی ای که پیوسته مطمح نظر معظم له قرار گرفته، بر اساس مبانی و اهداف الهی وضع شده که بی شک، بنیان حکومت حقّ مهدوی بر آن ها نهاده شده است. اهداف و مبانی در مکتب معظم له مشمول آیه شریفه «فَاسْتَقِمْ کَمَا أَمَرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ» (هود/۱۱۲) است؛ بدین گونه که عدول از مبانی و ارزشها جایز نیست. اهمّ این اصول را می توان از رهگذر اصل هایی همچون: عدالت، نفی سبیل، ارشاد جاهل، اعانه بر برّ، دفع المنکر و سدّ ذرایع جستجو کرد.

۲. اندیشه عدالت مقوله‌ای است فرازمانی و فرامکانی که از امور واقعی و عینی شمرده می شود؛ نه از امور اعتباری. مهم ترین هدف در حکومت مهدوی اجرای عدالت و نفی ظلم است که فقها از آن به عنوان یک قاعده فقهی یاد کرده اند که فقیه می تواند براساس آن استنباط کند یا استنباط خود را محک زند. از این رو، در منظومه فکری امام خامنه ای توجّه به عدالت بر همگان واجب شمرده شده است. ایشان حکومت مهدوی را جامعه ای توحیدی توأم با عدل می خواند و آن را سر لوحه اهداف و فلسفه بعثت همه انبیای عظام می داند.

۳. بر اساس اصل نفی سبیل هر نوع عقد و قراردادی میان مسلمانان و کافران که موجب علو و استیلاي کافران بر مسلمانان شود، ممنوع شمرده شده است. در اندیشه امام خامنه ای، نظام مهدوی با تأکید بر اصل نفی سبیل متکی بر حاکمیت توحید است که نفی سلطه مستکبران، مبارزه با استکبار، استقلال و عزت مسلمانان را به ارمغان می آورد و در پی آن تمدن اصیل اسلامی به منصه ظهور می رسد. بدین ترتیب، در مکتب امام خامنه ای تمسک به این اصل فقهی راهبردی را می توان از گذر مسایل فرهنگی، همچون مخالفت معظم له با سند ۲۰۳۰ یونسکو؛ اقتصادی، همچون حمایت از کالای ایرانی؛ نظامی، همچون حمایت از گروه مقاومت اسلامی؛ سیاسی، همچون عدم اعتماد به آمریکا در مذاکرات هسته ای و... جستجو کرد.

۴. بی شک، بسیاری از جرایم ارتكابی و ناهنجاری های فردی و اجتماعی به علت عدم آگاهی افراد به احکام شرعی؛ خصوصا نسبت به منکرات و عواقب سوء آن ها است که فقها براساس اصل ارشاد جاهل، بیان واعلام احکام شرعی را برای جاهل واجب دانسته اند. مبادرت به این مهم با توجه به وجود مکاتب انحرافی و نوظهور در عصر غیبت وهجمه دشمن در تحریف حقایق و ترویج فساد ضرورتی اجتناب ناپذیر دارد. بر همین اساس، امام خامنه ای از آن به جهاد تبیین یاد کرده که این امر در منظومه فکری ایشان یک راهبرد اساسی برای حکمرانی مهدوی به شمار می رود. معظم له «جهاد تبیین» را به عنوان «یک فریضه قطعی و یک فریضه فوری» خوانده اند.

۵. فقها بنا بر آیه شریفه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»، «اعانه بر بر» را واجب دانسته اند که بی شک، اهتمام به امور مسلمانان و دفاع از مسلمانان و محرومان از مصادیق بارز اعانه بر بر شمرده شده است. بر همین اساس، در منظر امام خامنه ای جامعه مهدوی صرفا یک جامعه آرمانی نیست، بلکه پروژه ای است تمدن ساز که باید زمینه های تحقق آن در عصر غیبت فراهم شود. از این منظر منتظر واقعی کسی است که علاوه بر صیانت از نفس خود، در عینیت بخشیدن به این مهم در راستای اهتمام به امور مسلمانان و دفاع از مظلومان عالم مشارکت فعال داشته باشد. در چنین فرایندی قاعده اعانه بر بر به یکی از مهم ترین اصول فقهی در نظام مهدوی تبدیل می شود؛ زیرا عینیت بخشی به جامعه مهدوی بدون تعاون و همکاری افراد جامعه در امور خیر امکان پذیر نخواهد بود.

۶. اصل «دفع المنکر» از مهم‌ترین قواعدی است که بر ضرورت جلوگیری از تحقق و گسترش منکرات دلالت دارد. این قاعده ریشه در فریضه امر به معروف و نهی از منکر دارد. در اندیشه امام خاмене‌ای، امر به معروف و نهی از منکر صرفاً یک وظیفه فردی نیست، بلکه یک مسئولیت اجتماعی و حکومتی برای اصلاح جامعه و مقابله با زمینه‌های فساد به شمار می‌آید. ایشان تحقق جامعه اسلامی مطلوب را در گرو حاکمیت ارزش‌های الهی و مقابله مستمر با مظاهر انحراف می‌دانند. بر این اساس، میان قاعده دفع المنکر و نظام مهدوی رابطه‌ای معنادار برقرار است؛ زیرا مهم‌ترین ویژگی حکومت حضرت مهدی (عج)، برچیده شدن ظلم، فساد و انحراف و استقرار عدالت جهانی است. از همین روی، معظم له آن را «تضمین کننده ی حیات طیبه در نظام اسلامی» خوانده اند.

۷. اصل سد ذرایع از قواعد مهم فقه حکومتی و اجتماعی است که بر جلوگیری از مقدمات و زمینه‌های منتهی به فساد، ظلم و انحراف دلالت دارد. فقهای امامیه هرچند برای «سد ذرائع» حجیتی قایل نیستند؛ لیکن از این رو که ماهیت آن بر پیش‌گیری از فساد و بزه دلالت دارد و عقل و شرع اجتناب از زمینه‌ها و مقدمات هر گونه فساد و بزهکاری را لازم می‌دانند، بر مقابله با زمینه‌ها، اسباب و ابزار جرم فتوا داده اند. قاعده سد ذرایع در نظام مهدوی کارکردی راهبردی دارد؛ زیرا جامعه منتظر موظف است با شناسایی عوامل تهدیدکننده عدالت و معنویت، از شکل‌گیری و توسعه آن‌ها جلوگیری کند. رهبر انقلاب نیز مکرراً مفاد این اصل را در امر پیش‌گیری از جرم مورد توجه قرار داده، فرموده اند: «دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت از تشکیل نطفه فساد پیش‌گیری و با رشد آن مبارزه کنند».

فهرست منابع

قرآن کریم

ابن شعبه حرانی، حسین بن علی، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم

ابن منظور، محمد، (۱۴۱۶ق)، لسان العرب، جلد نهم، بیروت: موسسه دارالاحیاء التراث العربی
اعرافى، علیرضا، کاظمی، سید عنایت الله، (۱۴۰۰)، فقه تربیتی (قواعد فقه تربیتی)، جلد سی ام، قم، موسسه اشراق و عرفان، چاپ اول

اعرافى، علیرضا، مبلغ، محمدکاظم، (۱۳۹۹)، فقه تربیتی وظایف نهاد های تربیتی ۲، جلد بیست و ششم، قم، موسسه اشراق و عرفان، چاپ اول

الهامی نیا، علی اصغر، (۱۳۸۶) درآمدی بر اجرای عدالت در حکومت مهدوی، اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۲.

انصاری، شیخ مرتضی، (۱۴۱۸ق) المکاسب، جلد اول، قم، نشر باقری

بهجت، محمد تقی، (۱۴۲۴ق)، بهجه الفقیه، قم، انتشارات شفق، چاپ اول

بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به مردم ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم قم، ۱۳۶۷/۱۰/۱۹

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از علما و روحانیون، ۱۳۷۱/۵/۷

بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه در چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۲/۳/۱۴

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۷/۳۰

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۲/۴/۷

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای خبرگان رهبری، ۱۳۸۳/۶/۳۱

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان استان یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳

بیانات مقام معظم رهبری در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷/۳/۱۴

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با زائران و مجاوران حرم امام رضا (ع)، ۱۳۹۲/۱/۱

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از فرهنگیان، ۱۳۹۶/۲/۱۷

بیانات مقام معظم رهبری در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی، ۱۴۰۰/۷/۵

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فعالان اقتصادی، ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

حرّ عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعه، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت

خزائی، میثم و همکاران، (۱۳۹۸) تحلیل فقهی حمایت از کالای ایرانی، مجله حکومت اسلامی، شماره ۹۱. سلیمانی، عباس، راغبی، محمدعلی، (۱۳۹۸) بررسی فقهی قاعده عدالت اجتماعی، حکومت اسلامی، ۱ شیروانی، خدیجه، آبین، علی رضا، (۱۳۹۸) عدالت به عنوان اصلی مستقل؛ پذیرش یا انکار، تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، شماره دوم.

دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
داودآبادی، محسن، (۱۳۹۲)، تحلیلی بر قاعده فقهی «إعانه بر بر» و موارد کاربرد آن در عرصه حکومت، پژوهشنامه میان رشته ای فقهی (پژوهشنامه فقهی سابق) سال دوم، شماره ۱
رازی، احمد بن فارس بن زکریا، (۱۴۱۵ق) معجم مقاییس اللغه؛ جلد سوم، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت، انتشارات دارالفکر

طباطبایی، سید محمود، (۱۳۹۵) سنت قاعده عدالت با قواعد فقهی دیگر، فقه و اصول، شماره ۱.
طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۷) تهذیب الأحکام، جلد نهم، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب
الإسلامیه

قانون اساسی

قانون مجازات اسلامی

قرافی، احمد، (۱۴۱۴ق)، انوارالبروق فی انواءالفروق، جلد دوم، بیروت، انتشارات دار عالم
الکتب.

قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب السلامیه
قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، جلد چهارم، چاپ دوم، قم، دفتر
انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

کزازی عراقی، علی، (بی تا)، کتاب القضاء، قم، نشر مهر، چاپ اول
کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه
گوهری، داود و همکاران، گونه شناسی فتوا مستند به سد ذرایع در انگاره فقیهان امامیه، فقه و اصول سال
پنجاهم، شماره ۱۱۵، (۱۳۹۷)

مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق) بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی
مطهری، مرتضی، (بی تا) نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران: صدر
مطهری، مرتضی، (۱۴۰۹ق) مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ اول، انتشارات حکمت، تهران.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۰)، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه

موسوی بجنوردی، سید محمد، (۱۳۷۲)، قواعد فقهیه، تهران، نشر میعاد
موسوی خمینی، روح الله، (۱۴۱۰)، کتاب البیع، جلد پنجم، چاپ چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان
موسوی خمینی، روح الله، (بی تا)، تحریر الوسیله، جلد اول، قم، دارالعلم
موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۶ق)، صراط النجاه، قم، نشر المنتخب، چاپ اول
موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۳۷۱) مصباح الفقاهة (المکاسب)، جلد اول، قم، مکتبه الداوری
مهریزی، مهدی، (۱۳۷۶) عدالت مثابه قاعده فقهی، مجله نقد و نظر، شماره ۲ و ۳.
میرخلیلی، سید محمود، (۱۳۹۰) سد ذرائع و پیشگیری از بزهکاری در آموزه های اسلامی، حقوق اسلامی
سال ۸، شماره ۳۱.
واعظی دهنوی، عباس، (۱۳۹۱) مبانی سیاست خارجی در اندیشه مقام معظم رهبری، جستارهای سیاسی
معاصر، سال سوم، شماره اول.